

سیرت و یا سنت رسول خدا (ص) شامل سه بخش عمده است که عبارتند:گفتار،رفتارها و تقریرات آن بزرگوار و بر هر مسلمانی که خواهان رستگاری و سعادت است، سزاول است که به آنها متمسک و تأسی و پیروی او از آنجا که خانواده‌ها هسته‌های تشکیل دهنده جوامع بشری هستند، فلاح و سعادت جامعه را باید در بنیاد استوار خانواده جست‌وجو کرده از این رو با الهام گرفتن از بخشی از «سیرت نبوی» که شامل گفتارهای درُز زیار حضرت خنمی مرتبت(ص است)، همه‌بفقر محدود و فر چارچوب یک مقاله، تحفه‌هایی اززمندان سی‌ره نبوی دربراه خانواده از زینت بخش این اوراق می‌گردانیم.

۱. تشویق به ازدواج

یکی از سنت‌های نبوی، تشویق و ترغیب به ازدواج و تسهیل در این امر و فراهم‌سازی بستری مناسب برای آن است. «دواج» ماه صیانت دین، بقا و پاکسازی نسل و خیرات و برکات دیگر است. در این‌جا به نمونه‌هایی از رهنمودهای رسول خدا(ص) در این باره اشاره می‌کنیم:

۱. «لَمَّا شَهِدَ تَزْوِجَ فِی خِدَانَةَ سَیِّحَ بَنَی سَطِیْطَةَ وَ ابْنَةَ عَصَمَ مَتَى دِینَهُ»؛ هر جوانی که در آغاز جوانی زن بگیرد، شیطان وی بانگ بر آورد؛ ای وای دین خود را از دستمزدی من محفوظ داشت.
۲. «هَنْ تَزَوَّجَ قَدْ قَسَّدَتْ كَمَلُ نَفْسِ الْاِیْمَانِ لَفَیْتِحُ لَهِ فِی النَّصَفِ الْبَاقِی»؛ هر که زن بگیرد، یک نیمه ایمان خویش را کامل کرده، از خدا براره نیم دیگر بترسد.»

۳. «هَنْ رَزَقَهُ اللهُ الْمَرْأَةَ فَصَالِحَةٌ فَفَدَّ اَمَانَةَ عَلَیْ شَطْرَ دِینِهِ فَلیْتَبَّیْ اللهُ فِی الشَّطْرِ الْبَاقِی»؛ هر که از خداوند زنی پارسا داده او را که نصف دینش یاری کرده و باید درباره نصف دیگر آن از خدا بترسد.»

۴. «تَزَوَّجُوا الرَّؤُودَ الرَّؤُودَ فَانِیْ مَكَارِیْ بِكُمُ الْاَنْبِیَاءُ»؛ زن همریان و بچه‌آور بگیرید، زیرا من به کثرت شما بر سایر پیامبران افتخار می‌کنم.»

یکی از آموزه‌های تربیتی در «سیره نبوی» توزیع عادلانه محبت بین فرزندان است! در این باره روایاتی از آن حضرت نقل شده است از جمله: بین فرزندانان به عدالت رفتار کنید، چنان که می‌خواهید (مردم و فرزندان) در نیکی و لطف، با شما به عدالت رفتار کنند.»

۵. «تَزَوَّجُوا وَ لَا تَطْلُقُوا فَإِنَّ لَهِ الْاِجِبَ الْوَالِدَیْنِ وَ لَا الذَّوْجَاتِ؟» زن بگیرید و طلاق مدهید، زیرا خداوند مردی را که مکرر زن گیرند، و زانی را که مکرر شوهر کنند، دوست ندارد.»
۶. «مِنَ الْفَضْلِ الشَّفَاعَةُ لَنْ تُشْفَعَ بَیْنَ اَنْثَیْنِ فِی الْكِنَاحِ» از جمله بهترین وساطت‌ها، واسطه شدن میان دو نفر در کار ازدواج است.»

۷. «ها بَی فِی الْاِسْلَامِ بِنَاءُ اِحْتِ ابِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ اعَزَّ مِنْ التَزْوِیجِ»؛ هیچ بنیایی در اسلام، نزد خداوند عزوجل، محبوب‌تر از ازدواج (و تشکیل خانواده) نیست.»

۸. «الْمَرْجُو الَّذِ تَامَمَ اِفْضَلَ عِنْدَ اللهِ مِنَ الصَّالِحِ الْقَائِمِ الْعَرَبِ»؛ خواب شخص همسردار، در پیشگاه الهی، از روزه و شب زنده‌داری شخص صر برتر است.»

بر واضح بود است که منظور روایت، عبادت مستحبی است و شارع مقدس نیز گزاره جداگانه دهه که همسردار تا طلوع آفتاب آسوده بخوابد و هر روز نماز صیحت قضا شود!

۹. «سَرَّارِکُمْ عَزَائِکُمْ، رِکْمَتُنْ مِنْ مَنَاطِحُ خَیْرٍ مِنْ سَبْعِیْنِ رِکْمَةً مِنْ غَیْرِ مَنَاطِحٍ»؛ بدترین شما، عجزهای شما هستند و لو که کمتر نماز از منْاطِح بهتر از هفتاد رکعت، دست زدن غیر منْاطِح است!»

۱۰. وسعت رزق و روزی در سایه ازدواج

خداوند در سوره نور می‌فرماید: «مردان و زنان عرب خود را همسر دهید، مستحبت غلامان و کنیزان صالح و درستکارتران از اگر فقیر و تنگدست باشند. خداوند از فضل خود دل‌ها را بی‌نیاز می‌کند، خداوند گشایش دهنده و آگاه است.»^(۱)

برخی از ترس فقر و تنگدستی، تن به ازدواج نمی‌دهند ولی باید توجه داشت – چنان‌که در آیه به تصریح گذشت – خداوند سبحان و معبود کسیانی را که قصد ازدواج دارند در مالشان گسترش دهد و آنان را بی‌نیاز کند. روایاتی هم که از رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم رسیده مؤید این نوبد است:

- «تَخْدُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ لَزِمَ لِرِکْمٍ لَمْ یَنْبَغِیْده، که آن ماه روزی بیشتر برایتان است»
- «هَنْ تَرَکَ التَزْوِیجَ مَخَافَةَ الْعِفْلِیَسِ مَتَّ»؛ هر که از ترس تنگدستی ازدواج نکند، از ما نیست.»
- «هَنْ تَرَکَ التَزْوِیجَ مَخَافَةَ الْفَقْرِ فَقَدْ آسَأَهُ الْفَنَ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ لَهِ عَزَّ وَجَلَّ یَقُولُ: «لَنْ یُکُونُوا قِطْرًا یُغِیْظُهُمْ مِنَ فَضْلِهِ»»^(۲)؛ کسی که از ترس تنگدستی ازدواج نکند، به خدای عزوجل سوء ظن کرده است. خداوند می‌فرماید: «گر نیازمند باشید خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌کند.»
- «ثَلَاثَةُ عَلَیْ عَلَیْ اللهِ تَعَالَى عَزَّ وَجَلَّ: الْمَجَاهِدُ فِی سَبِیْلِ اللهِ، وَالْمَكَاتِبُ الَّذِیْ یرِیدُ الْأَدَاءَ، وَالتَّوَّاجُّ الَّذِیْ یرِیدُ الْعَافَ»^(۳)؛ سه نفرند که یاری آنها بر خدا انضفاً لازم است:



پیامبراکرم(ص)

در اسلام پنج بنایی ساخته شده،

که نزد خداوند عزیز مجتبر و راجحه‌تر از ازدواج باشد.

بهارالدواج، ج ۱/ص ۱۸۳/ ۲۲۲

در متون اسلامی ما نقل شده است: زمانی که پیامبر اسلام(ص) به سجده می‌رفتند، امام حسن و امام حسین(ع) باری‌کنان سوار بر دوش رسول‌الله می‌شدند و آن بزرگوار بفقیری سجده خود را طولانی می‌کرد تا آنان خسته شده، پایین بیایند، ای کاش ما نیز در رفتار و گفتار خود، کودکان را جذب کنیم تا آنان نیز به اخلاق و مذهب علاقمند شوند! در هر حال، پدر و مادر باید توجه داشته باشند که اولین گوه‌های فرزندان هستند و اگر آنان در وظایف دینی صادق و جدی باشند فرزندان خود را نیز می‌توانند مذهبی‌با بباورند.

در متون اسلامی ما نقل شده است: زمانی که پیامبر اسلام(ص) به سجده می‌رفتند، امام حسن و امام حسین(ع) باری‌کنان سوار بر دوش رسول‌الله می‌شدند و آن بزرگوار بفقیری سجده خود را طولانی می‌کرد تا آنان خسته شده، پایین بیایند، ای کاش ما نیز در رفتار و گفتار خود، کودکان را جذب کنیم تا آنان نیز به اخلاق و مذهب علاقمند شوند! در هر حال، پدر و مادر باید توجه داشته باشند که اولین گوه‌های فرزندان هستند و اگر آنان در وظایف دینی صادق و جدی باشند فرزندان خود را نیز می‌توانند مذهبی‌با بباورند.

این نکته نیز در خود توجه است که هرچه پدر و مادر در تربیت مذهبی فرزندان خود هماهنگ‌تر باشند و کسانی که با کودک سروکار دارند هماهنگ عمل کنند، رشد گرایش‌های اخلاقی و مذهبی در کودکان و نوجوانان سریع‌تر خواهد بود. هماهنگی بعدی باید میان خانه و مدرسه و جامعه باشد و مطالب‌تربیتی نتیجه، هنگامی حاصل خواهد شد که خانواده، مدرسه و فرهنگ اجتماعی با یکدیگر هماهنگ باشند و انتظاراتشان از کودکان و نوجوانان نیز هماهنگ، واقع‌بینانه و در حد توان کودک یا نوجوان باشد.^(۳)

یکی از آموزه‌های تربیتی در «سیره نبوی» توزیع عادلانه محبت بین فرزندان است! در این باره روایاتی از آن حضرت نقل شده است از جمله: «اعدلوا بین اولادکم کما تحبون ان اعدلوا بینکم فی البرِّ و اللطف»؛ بین فرزندانان به عدالت رفتار کنید، چنان‌که می‌خواهید مردم و فرزندان ا در نیکی و لطف با شما به عدالت رفتار کنند.»

نقل است شخصی که دو فرزند پسر داشت، در حضور حضرت یکی را بوسید و دیگری توجهی نکرد، پیامبر با نگرانی به او فرمود: چرا میان دو فرزندت فرق گذاشتی؟^(۴) در کتابی گهربار فرمود: «لله تعالی حبّنا ان تعالوا بین اولادکم حتّی فی القَبْلِ»^(۵)؛ خداوند دوست دارد که میان فرزندان خود حتی در بوسیدن آنها، به عدالت رفتار کنید.»

۱. تقریر پیامبر(ص) و با انصاف(ع) یعنی کسی کاری انجام دهد و آن بزرگواران – در شرایط عادی، نیندن خبیق وقت و به دور از ترس و تقیه و مایوس نبودن از تأثیر – به کار او صخه گذارند.
رک: اصول الفقه، ج ۲، صص ۶۱ و ۶۶.
نهی الفصاحه، ج ۲، ص ۱۰۴.
۲. صملخ، ص ۶۰.
۳. ۲۲۳ ج ۲، صص ۱۰۶ و ۱۰۷.
۴. همان، ص ۲۲۹، ج ۱۱۴۴

مناسب خانواده می‌تواند این فطرت توحیدی را در آنان بارور و شکوفا کند؛ در حالی که محیط نمانند سنی در برابر رشد و تعالی آنها خواهد بود و یا موجب رشد معیوب، منحرف یا یک بعدی آنان خواهد شد.

شکله جدوی انسان و اساس خصوصیات اخلاقی وی از ابتدای کودکی – به خصوص در سال‌های اولیه عمر – در خانواده بی‌ریزی می‌شود. علاقه فرزان به فراگیری و انعطاف‌پذیری عمیق در برابر تأثیرات رفتار و عکس‌العمل‌های والدین و اطرافیان، ویژه مرحله خردسالی و قبل از ورود به دبستان است.

به همین دلیل، همه معلومات، عادت‌ها، عکس‌العمل‌ها و ویژگی‌های اخلاقی‌ای که در این دوران به دست می‌آید، به طور ریشه‌دار و مستحکم و عمیق، در روح کودک باقی می‌ماند و بنای

معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir

در پرتو آن رهنمودهای والا و ارجمند، زندگی سعادت‌مندانه‌ای

پسی ریخت. در کتاب قرار می‌دهی؛ زیرا برگ (زن) تأثیر خود را باقی می‌گذارد.»
در این زمینه به روایت جالب دیگری از رسول خدا اشاره می‌کنیم که می‌فرماید: «خَبِّرُوا نَتْلِفُکُمْ فَإِنَّ النِّسَاءَ یُیَلِّنُنَّ أَشْیَاءَ اِوْثَانِهِنَّ وَ اِخْوَانِهِنَّ»^(۱)؛ برای انتخاب همسر، تحقیق و بررسی و شناخت برادران و خواهران کسی که می‌خواهد از او خواستگاری کند، خود یک معیار و ملاک می‌تواند باشد؛ چه اینکه همسران همانند برادران و خواهران خویش فرزند می‌آورند.»

مسئله کنونی نیز این چنین مورد توجه قرار گرفته است:

«خَبِّرُوا نَتْلِفُکُمْ فَانْکِحُوا الْاَکْفَاءَ وَ اَنْکِحُوا الْیَهْم»^(۲)؛ در گزینش همسر برای خود، محل مناسب انتخاب کنید و از انحصار همشان خوز زن بگریزد و به آنها زن بدهید.»

فرزند خود را در کجا قرار می‌دهی؛ زیرا برگ (زن) تأثیر خود را باقی می‌گذارد.»
در این زمینه به روایت جالب دیگری از رسول خدا اشاره می‌کنیم که می‌فرماید: «خَبِّرُوا نَتْلِفُکُمْ فَإِنَّ النِّسَاءَ یُیَلِّنُنَّ أَشْیَاءَ اِوْثَانِهِنَّ وَ اِخْوَانِهِنَّ»^(۱)؛ زن را برای چهار چیز گیرند: مال، شرف، جمال و دین و – تون زن دیندار بجوی.»

۲. «لَا جَاکُمْ مَن تَرَوْنَهُ دِینَهُ وَ اَمَانَتَهُ یُغْطِی الْاَیْکُمْ» فرزوجون^(۲)؛ اگر کسی به خواستگاری (دختر) شما آمد که از دیندار و امانتداری او اراضی هستید، به او زن دهید.»

تربیت فرزند

اصلی شخصیت و سازمان و شاکله وجودی او را تشکیل می‌دهد و بر اساس آن، شخصیت او شکل می‌گیرد.

اعضای بزرگ‌تر خانواده‌ها – به ویژه پدران و مادران – مسئولیت دارند که با طرح ارزش‌های الای اخلاقی در قالب قصه‌ها و داستان‌ها و مثل‌هایی از تاریخ زندگی لئمه معصومین علیهم‌السلام و بزرگان و با زبانی ساده و نشننشین، کودک را با پاک‌ها، صداقت‌ها، رشادت‌ها، کرامت‌ها، ایثارها و شجاعت‌ها آشنا ساخته و روح و روان او را صیقل دهند. کودکان از همان اولین سال‌های زندگی خود دارای استعداد قابل توجهی برای مشاهده، یادگیری و الگوسازی هستند. پدر و مادر آگاه باید اولین تقلیدها و همانندسازی‌های مثبت فرزند خود را به فال نیک بگیرند و او را در مسیر مطلوب، هدایت و تشویق کنند.

در متون اسلامی ما نقل شده است: زمانی که پیامبر اسلام(ص) به سجده می‌رفتند، امام حسن و امام حسین(ع) باری‌کنان سوار بر دوش رسول‌الله می‌شدند و آن بزرگوار بفقیری سجده خود را طولانی می‌کرد تا آنان خسته شده، پایین بیایند، ای کاش ما نیز در رفتار و گفتار خود، کودکان را جذب کنیم تا آنان نیز به اخلاق و مذهب علاقمند شوند! در هر حال، پدر و مادر باید توجه داشته باشند که اولین گوه‌های فرزندان هستند و اگر آنان در وظایف دینی صادق و جدی باشند فرزندان خود را نیز می‌توانند مذهبی‌با بباورند.

در متون اسلامی ما نقل شده است: زمانی که پیامبر اسلام(ص) به سجده می‌رفتند، امام حسن و امام حسین(ع) باری‌کنان سوار بر دوش رسول‌الله می‌شدند و آن بزرگوار بفقیری سجده خود را طولانی می‌کرد تا آنان خسته شده، پایین بیایند، ای کاش ما نیز در رفتار و گفتار خود، کودکان را جذب کنیم تا آنان نیز به اخلاق و مذهب علاقمند شوند! در هر حال، پدر و مادر باید توجه داشته باشند که اولین گوه‌های فرزندان هستند و اگر آنان در وظایف دینی صادق و جدی باشند فرزندان خود را نیز می‌توانند مذهبی‌با بباورند.

این نکته نیز در خود توجه است که هرچه پدر و مادر در تربیت مذهبی فرزندان خود هماهنگ‌تر باشند و کسانی که با کودک سروکار دارند هماهنگ عمل کنند، رشد گرایش‌های اخلاقی و مذهبی در کودکان و نوجوانان سریع‌تر خواهد بود. هماهنگی بعدی باید میان خانه و مدرسه و جامعه باشد و مطالب‌تربیتی نتیجه، هنگامی حاصل خواهد شد که خانواده، مدرسه و فرهنگ اجتماعی با یکدیگر هماهنگ باشند و انتظاراتشان از کودکان و نوجوانان نیز هماهنگ، واقع‌بینانه و در حد توان کودک یا نوجوان باشد.^(۳)

یکی از آموزه‌های تربیتی در «سیره نبوی» توزیع عادلانه محبت بین فرزندان است! در این باره روایاتی از آن حضرت نقل شده است از جمله: «اعدلوا بین اولادکم کما تحبون ان اعدلوا بینکم فی البرِّ و اللطف»؛ بین فرزندانان به عدالت رفتار کنید، چنان‌که می‌خواهید مردم و فرزندان ا در نیکی و لطف با شما به عدالت رفتار کنند.»

نقل است شخصی که دو فرزند پسر داشت، در حضور حضرت یکی را بوسید و دیگری توجهی نکرد، پیامبر با نگرانی به او فرمود: چرا میان دو فرزندت فرق گذاشتی؟^(۴) در کتابی گهربار فرمود: «لله تعالی حبّنا ان تعالوا بین اولادکم حتّی فی القَبْلِ»^(۵)؛ خداوند دوست دارد که میان فرزندان خود حتی در بوسیدن آنها، به عدالت رفتار کنید.»

۱. تقریر پیامبر(ص) و با انصاف(ع) یعنی کسی کاری انجام دهد و آن بزرگواران – در شرایط عادی، نیندن خبیق وقت و به دور از ترس و تقیه و مایوس نبودن از تأثیر – به کار او صخه گذارند.
رک: اصول الفقه، ج ۲، صص ۶۱ و ۶۶.
نهی الفصاحه، ج ۲، ص ۱۰۴.
۲. صملخ، ص ۶۰.
۳. ۲۲۳ ج ۲، صص ۱۰۶ و ۱۰۷.
۴. همان، ص ۲۲۹، ج ۱۱۴۴

مناسب خانواده می‌تواند این فطرت توحیدی را در آنان بارور و شکوفا کند؛ در حالی که محیط نمانند سنی در برابر رشد و تعالی آنها خواهد بود و یا موجب رشد معیوب، منحرف یا یک بعدی آنان خواهد شد.

شکله جدوی انسان و اساس خصوصیات اخلاقی وی از ابتدای کودکی – به خصوص در سال‌های اولیه عمر – در خانواده بی‌ریزی می‌شود. علاقه فرزان به فراگیری و انعطاف‌پذیری عمیق در برابر تأثیرات رفتار و عکس‌العمل‌های والدین و اطرافیان، ویژه مرحله خردسالی و قبل از ورود به دبستان است.

به همین دلیل، همه معلومات، عادت‌ها، عکس‌العمل‌ها و ویژگی‌های اخلاقی‌ای که در این دوران به دست می‌آید، به طور ریشه‌دار و مستحکم و عمیق، در روح کودک باقی می‌ماند و بنای

میزان که جمع آن موازین است، به ابزار سنجش از قبیل ترازو، پیمانه، کیل و مانند آنها اطلاق می‌شود؛ از آنجا که هر چیزی با معیار خاصی خود سنجیده می‌شود، نمی‌توان میزان را محدود به ابزاری خاص کرد، بلکه همان گونه که ابزار سنجش وزن و سنگینی در کمیت با ابزار سنجش آب و هوا و کیفیت‌ها فرق دارد، معیار سنجش افکار، عقاید، رفتار و مانند آنها نیز ابزاری مخصوص می‌تولبد.

در آموزه‌های قرآن، بر این نکته تأکید می‌شود که همه چیز باید بر اساس «حق» سنجیده شود که تجلیات و مظاهر گوناگونی در امور مختلف داشته‌اند؛ از نظر قرآن، حق مطلق، خدای تعالی است و سنجش‌ها و منشا هر حق، به شمار می‌رود. خدای مستعد و قلب سالم هر انسانی به طور فطری ابزار هدایتی قرار داده شده که توانایی شناخت حق و باطل و مصداقی آن و گرایش به حق و مصادیق آن، و گریزش از باطل و مصادیق آن را دارد. از این رو خدا در بسیاری از موارد انسان را به همان فطرت خویش ارجاع می‌دهد و از او می‌خواهد تا قضاوت مبتنی بر حق درباره اموری چون عدم تسلیوی نور و

بالحق و المیزان؛ الله همان کسی است که کتاب را به حق نازل کرد و میزان را نیز به حق نازل فرمود.(شوری، آیه ۱۷)
شکی نیست که میزان غیر از کتاب است، هر چند که خود کتاب می‌تواند میزان سنجش عقاید و افکار و رفتار باشد، ولی خدا افزون بر آن، معیار و رانال کرد؛ است تا امکان سنجش واقعی وجود داشته باشد؛ زیرا انسان به امر محسوسی احتیاج دارد که به عنوان قرآن ناطق بتواند در مصادیق و جزئیات تازو و میزان قرار گیرد. از همین رو پیامبر(ص) و جان آن حضرت یعنی امیرمومنان علی(ع) و فرزندان معصوم ایشان به عنوان میزان‌های عملی معرفی شده‌ند و جایگاه «سوره حسنه»(حجرات، آیه ۱) قرار گرفته‌اند تا مردم در قوف و لطف به آنان مراجعه کنند و اساس عقاید و رفتار خویش و دیگران را بر اساس آن بسنجند و نسبت خویش را به حق و حقیقت بر اساس میزان قرب و بعُدشان نسبت به آن معصومان(ع) ارزیابی کنند. از نگاه قرآن، معیار و میزان باید حق باشد و سنجش نیست که جلوه و مصادیق اتم و اکمل «حق» کسی جز پیامبر(ص) و دیگر معصومان(ع) نیست؛ از همین روایات که مثلا پیامبر(ص)

از آنجا که انسان و جان دارای اراده و حق انتخاب آزاد میان حق و باطل و شکر و کفران و ایمان و کفر هستند، خدا به آنان هشدار می‌دهد تا عدالت پیشه کنند و قسط و سهم هر چیزی را بر اساس حق بدهند و ظلم و بی عدالتی روا ندارند که جلوه اصلی آن در عبودیت اختیاری و ارادی خدا و بندگی تمام او بدون گرایش کفرآمیز و شرک‌آمیز است.

به ساحت دربراه میزان حق بسودن امیرمومنان علی(ع) می‌فرماید: «علی مع الحق مع العی و مع عدلی یدور حیثما دار؛ علی با حق است و حق با علی است» حق هر جایی می‌گردد که علی می‌گردد.(اعلام‌الوری، ج ۱، ص ۳۱۶)
جایگاهی که خدا برای امیرمومنان(ع) برای سنجش افکار، عقاید، رفتار و اعمال مردمان قرار داده تا جایی است که اصحاب پیامبر(ص) با میزان دوستی و محبت و ولایت مردم به آن حضرات(ع) معیار قرار دادند و کفر آنان را می‌سنجیدند؛ زیرا آن حضرات(ع) میزان و ترازوی حقیقی و واقعی بود تا «قسم اللان و الجنه» به دین نبی گزاری خویش را نشان دهد و این امر اختصاص به آخرت نداشته باشد.

البته خدا در قرآن حد را در قیامت «وزن» دانسته است(نور، آیه ۸)، اما باید توجه داشت که بر اساس آموزه‌های قرآن، این امر فقط اختصاص به قیامت ندارد، بلکه صحنه قیامت تنها روز بروز و ظهور کامل روزگاری برپاسش حق خواهد بود؛ زیرا دنیا ظرف عمل و قیامت ظرف حسابرسی است؛ چنان‌که امیرمومنان علی(ع) می‌فرماید: امروز دنیا روز عمل و فردای قیامت روز حسابرسی است(نهی‌البلاغه، نامه ۳۱) اما این همه در همین دنیا نیز بارها به اشکال گوناگون خدا به حسابرسی پرداخته و حتی اقوام بسیاری چون قوم نوح و عاد و ثمود را به عقوبت و مجازات دنیوی رسانده و از ریشه و بیخ و بن بر کنده‌است. اصولا براساس سنت استدراج و امهال(اعراف، آیات ۱۸۱ و ۱۸۲)، قیامت آیات ۴۴ و ۴۴) به کافران و منافقان مهلت داده و حتی همه اولواب نعمت‌ها به روی آنان باز می‌شود(نعام، آیه ۴۴)، اما این گونه نیست که به عقوبت ناگهانی گرفتار

معصومان(ع)

میزان اعمال انسان

نشوند و این نظایر چون جنگ و سیل و زلزله و وبا و مانند آنها نیست و نابود نشوند. بنابراین، دنیا نیز می‌تواند جایگاهی برای برخی از مجازات‌ها و عقوبت‌ها براساس حسابرسی حق و موازین آن باشد.

عدالت بر اساس میزان الحق

عدالت، در همه ابعاد آن، تجلی حق و حقیقت الهی است؛ زیرا سرتا عدالت به معنای دادن حق و چیزی و فرارگیری حق در جایگاه مناسب خود است. از این رو خدای عادل به حق چیزی آنچه را که لیاقت و شأن اوست به او داده و کم نگذاشته و او را در مسیر هدایت قرار داده است(طه، آیه ۵۰)

انسان را بر اساس همان اصل و سنت کلی جاری بر هستی، در ساختار عادل ساخته و در اعتدال کامل و تمام بی‌هیچ عیب و نقصی قرار داده است(نفلتار، آیه ۷)
بنابراین، انسان انتظار دارد تا بر اساس همان ساختار سنت الهی یعنی عدالت، عمل کند و هیچ ظلمی به خود و خدا و دیگران نداشته باشد؛ زیرا از نظر قرآن حرکت تقوایی انسان در چارچوب هدایت فطری و تشریعی صراط مستقیم دین‌الله همان اعمال عدالت است و سبب آسنان است و هرگونه فحور و خروج از این دایره به معنای ظلم به خویشین و خدا و دیگران خواهد بود؛ زیرا انسان در خروج از تقوا و گرفتار شدن به فحور، نخست به خویش ظلمی روا داشته و فطرت الهی خویش را دفن می‌کند تا جایی که قدرت شناختی و گرایشی صحیح و حق را از دست می‌دهد. (شمس، آیات ۷ تا ۱۰)

از آنجا که انسان و جان دارای اراده و حق انتخاب آزاد میان حق و باطل و شکر و کفران و ایمان و کفر هستند، خدا به آنان هشدار می‌دهد تا عدالت پیشه کنند و قسط و سهم هر چیزی را بر اساس حق بدهند و ظلم و بی عدالتی روا ندارند. البته خدا در قرآن حد را در قیامت «وزن» دانسته است(نور، آیه ۸)، اما باید توجه داشت که بر اساس آموزه‌های قرآن، این امر فقط اختصاص به قیامت ندارد، بلکه صحنه قیامت تنها روز بروز و ظهور کامل روزگاری برپاسش حق خواهد بود؛ زیرا دنیا ظرف عمل و قیامت ظرف حسابرسی است؛ چنان‌که امیرمومنان علی(ع) می‌فرماید: امروز دنیا روز عمل و فردای قیامت روز حسابرسی است(نهی‌البلاغه، نامه ۳۱) اما این همه در همین دنیا نیز بارها به اشکال گوناگون خدا به حسابرسی پرداخته و حتی اقوام بسیاری چون قوم نوح و عاد و ثمود را به عقوبت و مجازات دنیوی رسانده و از ریشه و بیخ و بن بر کنده‌است. اصولا براساس سنت استدراج و امهال(اعراف، آیات ۱۸۱ و ۱۸۲)، قیامت آیات ۴۴ و ۴۴) به کافران و منافقان مهلت داده و حتی همه اولواب نعمت‌ها به روی آنان باز می‌شود(نعام، آیه ۴۴)، اما این گونه نیست که به عقوبت ناگهانی گرفتار

برخی از ترس فقر و تنگدستی تن به ازدواج نمی‌دهند ولی باید توجه داشت خداوند سبحان وعده داده کسانی را که قصد ازدواج دارند در مالشان گسترش دهد و آنان را بی نیاز کند.

اصلی شخصیت و سازمان و شاکله وجودی او را تشکیل می‌دهد و بر اساس آن، شخصیت او شکل می‌گیرد.

اعضای بزرگ‌تر خانواده‌ها – به ویژه پدران و مادران – مسئولیت دارند که با طرح ارزش‌های الای اخلاقی در قالب قصه‌ها و داستان‌ها و مثل‌هایی از تاریخ زندگی لئمه معصومین علیهم‌السلام و بزرگان و با زبانی ساده و نشننشین، کودک را با پاک‌ها، صداقت‌ها، رشادت‌ها، کرامت‌ها، ایثارها و شجاعت‌ها آشنا ساخته و روح و روان او را صیقل دهند. کودکان از همان اولین سال‌های زندگی خود دارای استعداد قابل توجهی برای مشاهده، یادگیری و الگوسازی هستند. پدر و مادر آگاه باید اولین تقلیدها و همانندسازی‌های مثبت فرزند خود را به فال نیک بگیرند و او را در مسیر مطلوب، هدایت و تشویق کنند.

در متون اسلامی ما نقل شده است: زمانی که پیامبر اسلام(ص) به سجده می‌رفتند، امام حسن و امام حسین(ع) باری‌کنان سوار بر دوش رسول‌الله می‌شدند و آن بزرگوار بفقیری سجده خود را طولانی می‌کرد تا آنان خسته شده، پایین بیایند، ای کاش ما نیز در رفتار و گفتار خود، کودکان را جذب کنیم تا آنان نیز به اخلاق و مذهب علاقمند شوند! در هر حال، پدر و مادر باید توجه داشته باشند که اولین گوه‌های فرزندان هستند و اگر آنان در وظایف دینی صادق و جدی باشند فرزندان خود را نیز می‌توانند مذهبی‌با بباورند.

در متون اسلامی ما نقل شده است: زمانی که پیامبر اسلام(ص) به سجده می‌رفتند، امام حسن و امام حسین(ع) باری‌کنان سوار بر دوش رسول‌الله می‌شدند و آن بزرگوار بفقیری سجده خود را طولانی می‌کرد تا آنان خسته شده، پایین بیایند، ای کاش ما نیز در رفتار و گفتار خود، کودکان را جذب کنیم تا آنان نیز به اخلاق و مذهب علاقمند شوند! در هر حال، پدر و مادر باید توجه داشته باشند که اولین گوه‌های فرزندان هستند و اگر آنان در وظایف دینی صادق و جدی باشند فرزندان خود را نیز می‌توانند مذهبی‌با بباورند.

این نکته نیز در خود توجه است که هرچه پدر و مادر در تربیت مذهبی فرزندان خود هماهنگ‌تر باشند و کسانی که با کودک سروکار دارند هماهنگ عمل کنند، رشد گرایش‌های اخلاقی و مذهبی در کودکان و نوجوانان سریع‌تر خواهد بود. هماهنگی بعدی باید میان خانه و مدرسه و جامعه باشد و مطالب‌تربیتی نتیجه، هنگامی حاصل خواهد شد که خانواده، مدرسه و فرهنگ اجتماعی با یکدیگر هماهنگ باشند و انتظاراتشان از کودکان و نوجوانان نیز هماهنگ، واقع‌بینانه و در حد توان کودک یا نوجوان باشد.^(۳)

یکی از آموزه‌های تربیتی در «سیره نبوی» توزیع عادلانه محبت بین فرزندان است! در این باره روایاتی از آن حضرت نقل شده است از جمله: «اعدلوا بین اولادکم کما تحبون ان اعدلوا بینکم فی البرِّ و اللطف»؛ بین فرزندانان به عدالت رفتار کنید، چنان‌که می‌خواهید مردم و فرزندان ا در نیکی و لطف با شما به عدالت رفتار کنند.»

نقل است شخصی که دو فرزند پسر داشت، در حضور حضرت یکی را بوسید و دیگری توجهی نکرد، پیامبر با نگرانی به او فرمود: چرا میان دو فرزندت فرق گذاشتی؟^(۴) در کتابی گهربار فرمود: «لله تعالی حبّنا ان تعالوا بین اولادکم حتّی فی القَبْلِ»^(۵)؛ خداوند دوست دارد که میان فرزندان خود حتی در بوسیدن آنها، به عدالت رفتار کنید.»

۱. تقریر پیامبر(ص) و با انصاف(ع) یعنی کسی کاری انجام دهد و آن بزرگواران – در شرایط عادی، نیندن خبیق وقت و به دور از ترس و تقیه و مایوس نبودن از تأثیر – به کار او صخه گذارند.
رک: اصول الفقه، ج ۲، صص ۶۱ و ۶۶.
نهی الفصاحه، ج ۲، ص ۱۰۴.
۲. صملخ، ص ۶۰.
۳. ۲۲۳ ج ۲، صص ۱۰۶ و ۱۰۷.
۴. همان، ص ۲۲۹، ج ۱۱۴۴

مناسب خانواده می‌تواند این فطرت توحیدی را در آنان بارور و شکوفا کند؛ در حالی که محیط نمانند سنی در برابر رشد و تعالی آنها خواهد بود و یا موجب رشد معیوب، منحرف یا یک بعدی آنان خواهد شد.

شکله جدوی انسان و اساس خصوصیات اخلاقی وی از ابتدای کودکی – به خصوص در سال‌های اولیه عمر – در خانواده بی‌ریزی می‌شود. علاقه فرزان به فراگیری و انعطاف‌پذیری عمیق در برابر تأثیرات رفتار و عکس‌العمل‌های والدین و اطرافیان، ویژه مرحله خردسالی و قبل از ورود به دبستان است.

به همین دلیل، همه معلومات، عادت‌ها، عکس‌العمل‌ها و ویژگی‌های اخلاقی‌ای که در این دوران به دست می‌آید، به طور ریشه‌دار و مستحکم و عمیق، در روح کودک باقی می‌ماند و بنای

امام رضا(ع) در تفسیر آیه ۷ سوره الرحمن «وَالسَّمَاءَ رَافِعًا وَ بَصَحَّ الْمِیزَانَ» می‌فرماید: منظور از السَّمَاءَ، رسول خدا(ص) است که خداوند او را به نزد خود بالا برد، و منظور از المیزان؛ است که المومنین(ع) است که خداوند او را در میان خلق خود منصوب کرد(تفسیر المیزان آیه بیت ج ۱، ص ۱۵، ج ۱، ص ۶۹۲، القمی، ج ۲، ص ۳۴۳. بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۸۸)
«كَذَٰلِكَ الرَّقْبَىٰ می‌گوید: شَأْنُ أَهْلِ عِبَادِ اللهِ عَنِ قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ – وَالسَّمَاءَ رَافِعًا وَ بَصَحَّ الْمِیزَانَ قَالِ السَّمَاءُ رَمُولُ اللهِ (ص) قِبَضَةُ اللهِ ثُمَّ رَفَعَهَا إِلَيْهِ وَ بَصَحَّ الْمِیزَانُ وَ الْمِیزَانُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ(ع) وَ نَصَبَهُ إِلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ»؛ در امام صادق(ع) درباره این آیه و السَّمَاءَ رَافِعًا وَ بَصَحَّ الْمِیزَانَ پرسیدم: «چه معنایی دارد؟» فرمود: «السَّمَاءَ؛ زمین است(ع) است که خداوند او را قبض خود کرد و سپس به نزد خود بالا برد، و بَصَحَّ الْمِیزَانَ؛ منظور از میزان، امیرالمؤمنین(ع) است که پس از خود او را جانشین گردانید.»(تفسیر آیه بیت ج ۱، ص ۱۵، ج ۱، ص ۳۹۲. بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۸۸. تآویل الآیات الظاهره، ص ۶۹۳)

امام صادق(ع) در تفسیر آیه ۷ سوره حدید، میزان را همان اهل بیت(ع) دانسته است. از ایشان می‌پرسد: «ما المیزان؟ فقال: وَ بَصَحَّ الْمِیزَانُ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ فِی الْاِنْجَالِ لِقَوْلِهِمُ النَّاسُ بِالنَّقِیْطِ؛ «میزان» چیست؟» می‌فرماید: «میزان ما هستیم و آن سخن خدای عزوجل در مورد اوست که می‌فرماید: تا مردم قیام به عدالت کنند(تفسیر آیه بیت ج ۱، ص ۹، ج ۱، ص ۴۱۸. بحارالعراف، ج ۱۱، ص ۱۲۳)
بر این اساس آن حضرت(ع) اهل بیت(ع) را مصداق تمام او و کامل همان مردمانی می‌داند که به عدالت قیام می‌کنند.

انسان ممکن است در شناخت برخی از مصادیق حق به خطا رود و عدالت را به درستی نشناسد و به کار نگیرد، در این‌جا لازم است تا اسوه‌های حسنه الهی به عنوان «موازین القسط» معیار قرار گیرند و به آنان مراجعه شود.

البته ایشان در جایی دیگر در تفسیر مصداقی آن می‌فرماید که منظور الرُّبُلُ و الْاَوْثَانُ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و اله) است(المناقب، ج ۲، ص ۱۵)
امام صادق(ع) می‌فرماید: منظور از میزان در آیه «لله الذی انزل الکتّابَ بالحقِّ و وَضَعَ الْمِیزَانَ» امیرالمؤمنین(ع) است. دلیل این امر آیه زیر از سوره الزُّخْمُ است که پروردگار می‌فرماید: «سَمِعْنَا اَنْیَابَهُنَّ یُرْوَيْنَهُنَّ وَ مِیزَانَ وَ قَاضِیْنَ دَرِ اَنْ كُنْتُمْ اِلَیْهِ اِلْتِمَاسًا»؛ ما شنیدیم آن‌ها را در تعین کرد. (تفسیر آهل بیت ج ۱، ص ۱۰۶، ص ۵۹۲. بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۸۴، القمی، ج ۲، ص ۱۲۴)
امام صادق(ع) در زیارت امیرالمؤمنین(ع) می‌کند که فرمود: «السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا اَبَا الْاَثَمَةِ الْیَ قِبْلَةَ السَّلَامُ عَلَی سَبِّحَانَ الْعَمَلِ وَ مَلْبِغِ الْاَوْحَالِ وَ نَسِیْفِ الْوَجَالِ»؛ السَّلَامُ عَلَی سَبِّحَانَ الْقَوْتِ وَ شَاعِیَةِ الْمَرْ